

کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست‌های روز هفتم لائودیکه‌ای - شماره بیست

Jeff Pippenger

2025-12-26

شماره بیست

کتاب یوئیل نشان می‌دهد که نابودی تاکستان خدا در نسل چهارم رخ می‌دهد.

کلام خداوند که به یوئیل پسر پتئیل رسید.

ای پیران، این را بشنوید؛ و ای همه ساکنان زمین، گوش فرا دهید. آیا چنین چیزی در روزگار شما بوده است، یا حتی در روزگار پدرانتان؟ این را به فرزندان خود بازگویید، و بگذارید فرزندان شما آن را به فرزندان خود بگویند، و فرزندان آنان به نسلی دیگر.

آنچه را کرم جوانه‌خوار بر جای گذاشته است، ملخ خورده است؛ و آنچه را ملخ بر جای گذاشته است، کرم ساقه‌خوار خورده است؛ و آنچه را کرم ساقه‌خوار بر جای گذاشته است، کرم برگ‌خوار خورده است.

ای مستان، بیدار شوید و بگریید؛ و ای همه شراب‌نوشان، به سبب شراب تازه شیون کنید؛ زیرا از دهان شما گرفته شده است. یوئیل ۱:۵-۵.

مثل ده باکره، مثل ادونتیسم است، و بیداری در این مثل زمانی رخ می‌دهد که گندم و زوان از هم جدا می‌شوند؛ در آن هنگام، زوان درمی‌یابند که از «شراب نو» «قطع شده‌اند». واژه «قطع شدن» نمایانگر نخستین گام عهد ابرام است، جایی که در آیینی برای استوار کردن عهد با خون، گوساله ماده، بز ماده و قوچ را به دو نیم بریدند. در همان متن عهد، خدا تصریح می‌کند که در نسل چهارم، برای داوری، به سراغ قوم خود خواهد آمد.

و به ابرام گفت: به یقین بدان که نسل تو در سرزمینی که از آن ایشان نیست، بیگانه خواهند بود و به مردم آن خدمت خواهند کرد، و آنان ایشان را چهارصد سال رنج خواهند داد؛ و آن امتی را نیز که ایشان به آن خدمت خواهند کرد، من داوری خواهم کرد؛ و پس از آن با دارایی بسیار بیرون خواهند آمد. و تو به سلامتی نزد پدرانت خواهی رفت؛ و در پیروی نیکو به خاک سپرده خواهی شد. اما در نسل چهارم بار دیگر به اینجا باز خواهند آمد، زیرا گناه اموریان هنوز کامل نشده است. پیدایش 15:16-16.

چون نبوت در نسل چهارم، در زمان موسی، تحقق یافت، خداوند ده فرمان را به‌عنوان نماد پیمان میان خدا و قوم برگزیده‌اش مقرر کرد. در دومین آن ده فرمان، نور چهار نسل ابرام بیشتر درخشید.

تو برای خود هیچ تمثال تراشیده‌ای، و هیچ مانندی از چیزی که در آسمان بالا، یا بر زمین پایین، یا در آب‌های زیر زمین است، مساز. نزد آنها سجده مکن و آنها را عبادت منما؛ زیرا من، خداوند، خدای تو، خدای غیور هستم، که گناه پدران را بر فرزندان تا نسل سوم و چهارم کسانی که از من نفرت دارند، کیفر می‌دهم؛ و بر هزاران نفر از کسانی که مرا دوست می‌دارند و فرمان‌هایم را نگاه می‌دارند، رحمت می‌کنم. خروج ۲۰:۴-۶.

چهار نسل عهد ابرام در برجسته‌سازی صفت خدا به‌عنوان خدای غیور ادغام شد. غیرت او در تقابل با تمثال‌های تراشیده قرار می‌گیرد. در نسل چهارم ابرام نیز با داوری‌ای تدریجی روبه‌رو می‌شویم. این

داوری هم بر آن امتی بود که قوم خدا در اسارت آن بودند و هم بر خود قوم خدا؛ و پس از آن، اموریان مورد داوری قرار می‌گرفتند. ابرام فرایند داوری تدریجی‌ای را مشخص می‌کند که از خانه خدا آغاز می‌شود و به تدریج در سراسر جهان پیش می‌رود، و فرمان دوم نشان می‌دهد که این فرایند داوری، بشر را به دو دسته تقسیم می‌کند: دسته کسانی که از خدا نفرت دارند، و دسته کسانی که خدا را دوست دارند؛ و بدین‌سان نمونه‌ای از قانون یکشنبه را به نمایش می‌گذارد که فریاد می‌زند: "اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید."

در همان دوره‌ای که شریعت بر کوه سینا داده می‌شود، سرشت خدا به موسی نشان داده می‌شود.

و خداوند به موسی گفت: برای خود دو لوح سنگی مانند الواح نخستین بتراش؛ و من بر این لوح‌ها همان کلماتی را خواهم نوشت که بر الواح نخستین بود و تو آنها را شکستی. و بامدادان آماده باش، و بامدادان به کوه سینا برآی و در قله کوه آنجا نزد من حاضر شو. و هیچ‌کس با تو برنیاید، و در سراسر کوه کسی دیده نشود؛ و نه گله‌ها و نه رمه‌ها در برابر آن کوه بچرند.

و او دو لوح سنگی همانند نخستین‌ها تراشید؛ و موسی بامدادان برخاست و چنان‌که خداوند به او فرمان داده بود، به کوه سینا برآمد و دو لوح سنگی را به دست گرفت. و خداوند در ابر فرود آمد و در آنجا نزد او ایستاد و نام خداوند را اعلام کرد. و خداوند از پیش روی او گذشت و اعلام کرد،

خداوند، خداوند خدا، رحیم و کریم، دیرخشم و سرشار از نیکویی و راستی، که رحمت را برای هزاران نگاه می‌دارد، و گناه و عصیان و خطا را می‌بخشد، و هرگز مجرم را بی‌کیفر نمی‌گذارد؛ عقوبت گناه پدران را بر فرزندان و بر فرزندان فرزندان، تا نسل سوم و چهارم، می‌رساند.

و موسی شتاب کرد و سر خود را به سوی زمین فرود آورد و سجد نمود. و گفت: ای خداوند، اگر اکنون در نظر تو فیض یافته‌ام، التماس می‌کنم که خداوند در میان ما بیاید؛ زیرا این قوم گردن‌سخت است؛ پس تقصیر و گناه ما را بیامرز و ما را میراث خود قرار ده. خروج ۱: ۳۴-۹.

اعطای دوم شریعت با نمودار پیشگامان ۱۸۵۰ هم‌خوانی دارد. لوح‌های نخست شکسته شدند، و جدول نخست در ارقامش خطا داشت. آنگاه اسرائیل باستان امانت‌دار شریعت شد، و اسرائیل امروزی امانت‌دار شریعت خدا و قوانین کلام نبوی خدا گردید. هنگامی که آن دو لوح برای نخستین بار معرفی شدند، شورشی عینی در اردوگاه بود، و هنگامی که نمودار ۱۸۵۰ معرفی شد، شورشی روحانی در اردوگاه در حال شکل‌گیری بود. نبوت ابرام درباره نسل چهارم به دست موسی در نسل چهارم تحقق یافت، جایی که خدا مکاشفه داوری را در نسل چهارم، در فرمان دوم بسط داد. تمثال‌های تراشیده به بدیلی برای پرستش حقیقی خدا بدل شدند، و غیرت شخصیت خدا به داوری پیوند خورد. سپس موسی جلال خدا را مشاهده کرد. او غیرت خدا را به‌عنوان عنصری از شخصیت خدا دید، چنان‌که به‌وسیله «نام» او نمایانده شد، و رابطه میان پرستنده و گناهان پدرانش بیان شد.

هنگامی که مسیح برای نخستین بار هیکل را تطهیر کرد، آنگاه شاگردان به یاد آوردند که غیرت نسبت به خانه او، او را بلعیده بود. «غیرت» همان واژه «رشک» است. سرشت خدا که رشک او را بیان می‌کند، همان انگیزه‌ای بود که مسیح را برانگیخت تا هیکل خود را تطهیر کند، و خصیصه نبوی ضرورت اعتراف به آن گناهان پدران شما، بعدها به عنصری اساسی در دعوت به توبه در داوری «هفت بار» در لایوان باب بیست‌وشش بدل شد. «نسل چهارم» ابرام هرچه در تاریخ میثاق پیش می‌رود، اهمیتی فزاینده می‌یابد. کتاب یوئیل نمایانگر زمان باران پسین است که در ایام آخر رخ می‌دهد. کتاب یوئیل پیام خود را بر معرفی پیام چهار نسل بنا می‌نهد، همچون درونمایه‌ای که در نخستین گام میثاق سه‌گانه ابرام با خدا به ثبت رسیده بود. آن درونمایه در کتاب یوئیل به فرجام خود می‌رسد.

پس از ورود به سرزمین موعود، تابوت عهد در شیلو قرار گرفت؛ جایی که عیلی بدکار و نابخرد، کاهن اعظم، و دو پسر فاسدش در تقابل با فراخوانده شدن سموئیل قرار می‌گیرند. شیلو یکی از ایستگاه‌های مسیر تابوت - که نماد عهد بود - شد. پس از آن که از تابوت به‌عنوان نماد فرو ریختن دیوارهای اریحا استفاده شد، حدود چهارصد سال در شیلو قرار داشت، تا زمان مرگ عیلی و پسران شریرش. سپس به دست فلسطیان افتاد، و پس از آن، هنگامی که داوود تابوت را به اورشلیم منتقل کرد، نخستین نمونه از ورود ظفرمندان به اورشلیم تحقق یافت. هدف اعلام‌شده از انتقال نماد عهد به اورشلیم این بود که خدا برگزید نام خود را در اورشلیم بگذارد، و نام او با غیرت او پیوند دارد، که با دآوری غیورانه او در نسل چهارم مرتبط است.

به هنگام قانون یکشنبه، خداوند کلیسای پیروزمند را بر فراز همه تپه‌ها و کوه‌ها برخواهد افراشت و امت‌ها خواهند گفت: «بیاوید، به خانه خدا برویم.»

و در ایام آخر چنین خواهد شد که کوه خانه خداوند بر قله کوه‌ها استوار خواهد شد و از تپه‌ها بلندتر خواهد گردید؛ و همه قوم‌ها به سوی آن سرازیر خواهند شد. و بسیاری از مردم خواهند رفت و خواهند گفت: بیاوید تا به کوه خداوند، به خانه خدای یعقوب، بالا برویم؛ و او راه‌های خود را به ما خواهد آموخت و ما در مسیرهای او گام خواهیم زد؛ زیرا از صهیون شریعت صادر خواهد شد و کلام خداوند از اورشلیم. اشعیا ۲:۳، ۳.

کلام خداوند از اورشلیم بیرون می‌آید، زیرا همان‌جاست که او برگزید تا "نام" خود را در آنجا قرار دهد. در مورد موسی، "خداوند در ابر فرود آمد و در آنجا همراه او ایستاد و نام خداوند را اعلام کرد. و خداوند از برابر او گذشت و اعلام کرد،

خداوند، خداوند خدا، رحیم و کریم، دیرخشم و سرشار از نیکی و راستی؛ که رحمت را برای هزاران نگاه می‌دارد، کج‌روی و تعدی و گناه را می‌آمرزد، و هرگز گناهکار را تبرئه نمی‌کند؛ بلکه کیفر گناه پدران را بر فرزندان و بر فرزندان فرزندان تا نسل سوم و چهارم می‌رساند. خروج ۳۴:۶، ۷.

«نام» او منش اوست، و منش خدا به‌غایت پیچیده و به‌غایت ساده است. عبارت «خدا محبت است»، منش او را به‌نحو کامل اما به‌سادگی بیان می‌کند. حقیقت عهد ابرام درباره «نسل چهارم دآوری» با نور افزوده «فرمان دوم» درباره نسل چهارم، «خطبه‌خط» بسط یافت. سپس تجربه موسی با افزودن نور غیرت او، روشنایی پیوند نسل چهارم با منش خدا را گسترش می‌دهد. الهام منش را «ترکیب اندیشه‌ها و احساسات» تعریف کرده است، اما همچنین به ما آگاه کرده که اندیشه‌های ما مانند اندیشه‌های خدا نیست. منش او همان ترکیب اندیشه‌ها و احساسات اوست؛ و منش او چنان وجوه بسیار فراتر از اندیشه‌ها و احساسات ساده انسانی ما دارد که تفاوت چنان است که اندیشه‌های او، چنان‌که آسمان از زمین بلندتر است، از اندیشه‌های ما بلندتر است.

زیرا افکار من افکار شما نیست و راه‌های شما نیز راه‌های من نیست، خداوند می‌فرماید. زیرا چنان‌که آسمان‌ها از زمین بلندتر است، راه‌های من نیز از راه‌های شما و افکار من از افکار شما بلندتر است. اشعیا ۵۵:۸، ۹.

پس، این یک اندیشه انسانی برای تأمل است: اگر شخصیت خدا را نام او نمایندگی می‌کند، آنگاه هر تجلی نام خدا، تجلی شخصیت اوست. شیر قبیله یهودا کلام نبوی خویش را مهر می‌کند و می‌گشاید، پلمونی «شمارنده شگفت اسرار» است، که همچنین «ریشه‌ای از زمین خشک» است، و نیز «پوته سوزان»، «ستون آتش»، «فرشته سالار میکائیل»، و الی آخر. صفات شخصیت خدا که به‌وسیله نام‌های گوناگون او نمایندگی می‌شوند، بی‌پایان‌اند. «اندیشه انسانی برای تأمل» این است: با وجود همه بیان‌های گوناگون شخصیت خدا که می‌دانیم وجود دارند، اهمیت این امر چیست — که در نخستین گام از فرآیند سه‌مرحله‌ای عهد با ابرام — «دآوری نسل چهارم» گزاره بنیادین آن عهد است — که نام

او را منعکس می‌کند؟

و به ابرام گفت: به یقین بدان که نسل تو در سرزمینی که از آن ایشان نیست، بیگانه خواهند بود و به مردم آن خدمت خواهند کرد، و آنان ایشان را چهارصد سال رنج خواهند داد؛ و آن امتی را نیز که ایشان به آن خدمت خواهند کرد، من داوری خواهم کرد؛ و پس از آن با دارایی بسیار بیرون خواهند آمد. و تو به سلامتی نزد پدرانت خواهی رفت؛ و در پیری نیکو به خاک سپرده خواهی شد. اما در نسل چهارم بار دیگر به اینجا باز خواهند آمد، زیرا گناه اموریان هنوز کامل نشده است. پیدایش 16-15:13.

سرشت خدا به عنوان داور انسان‌ها و ملت‌ها چنان است که برای انسان‌ها دوره‌ای از مهلت آزمون قائل می‌شود؛ دوره‌ای که با چهار نسل نمایان می‌شود. خدا داور است، رحیم است، شکیباست و داوری انسان‌ها و ملت‌ها را در نسل چهارم به انجام می‌رساند. بیان بنیادین خدا در عهد او با قومی برگزیده، داوری نسل چهارم را در بر می‌گیرد. همان‌گونه که پیام فرشته نخست همه ویژگی‌های تک‌تک سه پیام جداگانه فرشتگان را در خود دارد، به همین سان، نخستین گام عهد ابرام نیز ویژگی‌های کل عهد سه‌گانه را در بر دارد. نام خدا این است که او داور رحیم است؛ داوری که در نسل چهارم داوری می‌کند. هر گام دیگری در تاریخ عهد یک قوم برگزیده بر آن بنیاد بنا می‌شود.

وقتی کتاب یونیل در بیداری «ندای نیمه‌شب» در آیه پنج قرار می‌گیرد و «شراب نو» از دهان‌هایشان «منقطع» می‌شود، مقدمه آن جدایی نهایی عهدی برای قوم برگزیده عهد آغاز می‌گردد. این مقدمه، همان پیام بنیادین عهد است که شورش قوم عهد را طرح می‌کند و نشان می‌دهد که «قطع» آنان در نسل چهارم تحقق می‌یابد. آنان به سبب درنیافتن پیام بنیادین عهد «منقطع» می‌شوند.

آن پیام بنیادین عهد در چهار آیه فصل پانزدهم سفر پیدایش، معیار سنجش خط داوری—است که وقتی پیام نهایی عهد در روزهای آخر به صورت «شراب نو» عرضه می‌شود، به کار می‌رود. خطورت بیداری میگساران افرایم، آنگاه که «شراب نو» «قطع می‌شود»، تنها زمانی به درستی فهمیده می‌شود که در چارچوب اعلان داوری بر نسل چهارم نهایی قومی برگزیده اما یاغی، در دوره آزمون «باران آخر»، قرار داده شود.

در سفر پیدایش باب هفدهم، مرحله دوم عهد سه‌گانه با ابراهیم را می‌یابیم:

و خدا به ابراهیم گفت: پس تو و نسل تو پس از تو، در نسل‌هایشان، عهد مرا نگاه دارید. این است عهد من که باید نگاه دارید، میان من و تو و نسل تو پس از تو؛

هر پسر در میان شما باید ختنه شود. و گوشت غلفه خود را ختنه خواهید کرد، و این نشانه عهدی خواهد بود که میان من و شماست. و هر که هشت‌روزه باشد، در میان شما ختنه خواهد شد؛ هر پسر در نسل‌های شما، خواه آن‌که در خانه زاده شده باشد، خواه آن‌که به پول از بیگانه‌ای که از نسل تو نیست خریده شده باشد. آن‌که در خانه تو زاده شده و آن‌که به پول تو خریده شده است، حتماً باید ختنه شوند، و عهد من در گوشت شما به عنوان عهدی جاودان خواهد بود. و پسر نامختونی که گوشت غلفه‌اش ختنه نشده باشد، آن شخص از قوم خود بریده خواهد شد، زیرا عهد مرا شکسته است. پیدایش 14-17:9.

گام دوم شاهدهی دوم برای نماد «منقطع شدن» فراهم می‌کند. واژه‌ای که به «منقطع شدن» ترجمه می‌شود، ریشه‌اش را در حیواناتی می‌یابد که ابرام در باب پانزدهم به دو نیم کرد، و در همان بخش آمده است که هر کس ختنه نشده باشد از عهد «منقطع» خواهد شد. در تاریخ عهد، ختنه با تعمیم جایگزین شد، که در آن مسیح همین حقایق را تأیید می‌کرد، و به همین دلیل، او، به عنوان الگوی ما، در روز هشتم از مردگان برخاست.

آن نشانه بنا بود در روز هشتم تحقق یابد، چنان که هشت نفری که در کشتی بودند آن را نمایان می‌کنند. در گام دوم است که آزمون دیداری نمایان می‌شود؛ خواه آن زمان که اسرائیل، پیش از داوری‌ای که به دست ایلیا انجام شد، میان پیامبران ایزابل و ایلیا یکی را برمی‌گزید، یا آن زمان که چهره دانیال و شدک و میشک و عبدنغو نیکوتر و فریه‌تر از کسانی دیده شد که خوراک پادشاه را می‌خوردند؛ آزمون دوم دیداری است. ختنه نشانه زندگی است، و آن هشت نفر در کشتی نماینده کسانی‌اند که در برابر آنان که مردند، زنده ماندند.

در تاریخ مسیح، هنگامی که علامت عهد به تعمیم انتقال یافت، رسول پولس از تاریخ عهد همین آیات بهره گرفت تا دگرگونی بزرگ در تاریخ عهد را نشان دهد. او پوست بریده شده در ختنه را به عنوان نمادی از انسان در نسبت با الوهیت، و نیز نمادی از سرشت فروتر انسان در نسبت با سرشت برتر او به کار برد. پولس با به‌کارگیری کلام نبوی خدا به شاگردانش تعلیم می‌داد، و هدفش، به‌عنوان «کسی که برگزیده شد» (چنان که نام او، شائول، به این معناست)، این بود که دگرگونی بزرگ در تاریخ عهد را که در گذار از اسرائیل جسمانی به اسرائیل روحانی به‌عنوان قوم عهد خدا نمایان می‌شد، مشخص کند. او در انجام کار محول شده‌اش، پیام نبوی خود را در چارچوب تاریخ عهد ارائه کرد.

پیدایش فصل هفده، دومین گام از سه گام بنیادین عهد را نمایندگی می‌کند؛ گام‌هایی که تحقق امگای خود را در سه فرشته مکاشفه فصل چهارده می‌یابند. گام دوم با نشانه ختنه نمایان می‌شود؛ نشانه‌ای که نمونه مهر خدا بر آن یک‌صد و چهل و چهار هزار است، همانانی که خود درفش‌اند؛ درفشی که نمایانگر آزمون دیداری است. سه فرشته، امگای عهد آلفایی ابراهیم‌اند. گام سوم برای ابراهیم فصل بیست‌ودو بود.

و فرشته خداوند بار دوم از آسمان ابراهیم را ندا داد و گفت: به خودم سوگند خورده‌ام، خداوند می‌گوید، چون این کار را کردی و پسرت، یگانه پسرت را دریغ نداشتی: که قطعاً تو را برکت خواهم داد و نسلت را بسیار خواهم گردانید، همچون ستارگان آسمان و همچون شن ساحل دریا؛ و نسل تو دروازه دشمنان خود را تصرف خواهد کرد؛ و در نسل تو همه قوم‌های زمین برکت خواهند یافت، زیرا که سخن مرا اطاعت کردی. پیدایش ۱۵: ۲۲-۱۸.

آیه نخست آن فصل می‌گوید: «و بعد از این امور واقع شد که خدا ابراهیم را آزمود و به او گفت: ای ابراهیم؛ و او گفت: اینک منم.» خدا ابراهیم را آزمود و بدین‌سان پیش از سومین اعلان عهد، آزمونی نهایی را مشخص کرد. وقتی ابراهیم از آزمون سربلند بیرون آمد، آنگاه چهار آیه پایانی عهد سه‌گانه ابراهیم بیان شد. چون ابراهیم از «صدای» خدا «اطاعت کرد» — که در این بخش همان «صدای عهد» اوست — ابراهیم به‌عنوان پدر ملت‌ها برکت خواهد یافت. فرشته سوم آزمونی است که، همچون ابراهیم، نمایانگر آزمونی است که شخصیت را نشان می‌دهد، و شخصیت بر این استوار است که آیا مانند ابراهیم به خدا ایمان داری یا نه. کسانی که مانند ابراهیم این آزمون را بگذرانند، برای گردآوردن همه ملت‌های جهان به‌کار گرفته خواهند شد. آن هفده آیه از سه فصل، عهد میان خدا و قومی برگزیده را مشخص می‌کنند؛ و بدین‌سان آلفای تاریخ عهد یک قوم برگزیده را نمایندگی می‌کنند، و همچنین آن آیات امگای تاریخ عهد را نیز نمایندگی می‌کنند، چنان که در برپا شدن یک‌صد و چهل و چهار هزار تن نمایان شده است.

چند نفر از ما حاضر می‌شوند خانه‌ای یا وسیله نقلیه‌ای را بدون آنکه ابتدا مفاد قرارداد را بررسی کنند، بخرند؟ چند نفر از ادونتیس‌های روز هفتم لائودکیه‌ای می‌دانند که نخستین بند قرارداد عهدی آنان با خدا از این قرار است که خدا خود را چنین معرفی می‌کند: او خدای رحیمی است که در نسل چهارم داوری می‌کند؛ فاجعه آن است که آنان نه حقایق بنیادین تاریخ میلری‌ها را می‌شناسند و نه حقایق بنیادین رابطه عهدی ادعایی خود را؛ و به همین سبب، آنان همچون اسرائیل باستان، زمان تفقد خود را

نمی‌شناسند. خاتمه آن دوره تفقد که از ۱۱ سپتامبر آغاز شد، زمانی است که آنان در نیمه‌شب بیدار می‌شوند و تازه درمی‌یابند که قطع شده‌اند.

در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

در ۱۸ آوریل، دو روز پس از آنکه صحنه فروریختن ساختمان‌ها از برابر چشمانم گذشته بود، برای انجام قرارم در کلیسای خیابان کار، لس آنجلس، رفتم. وقتی به کلیسا نزدیک می‌شدیم، صدای فریاد روزنامه‌فروش‌ها را شنیدیم: «سان‌فرانسیسکو بر اثر زلزله ویران شد!» با دلی سنگین نخستین خبر شتاب‌زده چاپ‌شده از آن فاجعه هولناک را خواندم.

دو هفته بعد، در مسیر بازگشت به خانه، از سان‌فرانسیسکو گذشتیم و با کرایه کردن درشکه‌ای، یک ساعت و نیم را صرف تماشای ویرانی‌هایی کردیم که بر آن شهر بزرگ وارد آمده بود. ساختمان‌هایی که گمان می‌رفت در برابر فاجعه مصون باشند، به ویرانه تبدیل شده بودند. در برخی موارد، ساختمان‌ها تا حدی در زمین فرو رفته بودند. شهر تصویری بس هولناک از ناکارآمدی ابتکار انسانی در ساخت سازه‌های نسوز و مقاوم در برابر زمین‌لرزه ارائه می‌داد.

خداوند از طریق پیامبر خود صفییا، داوری‌هایی را که بر شریران خواهد آورد، بیان می‌کند: «هر آنچه را که بر روی زمین است، به کلی نابود خواهیم کرد، می‌گوید خداوند. انسان و حیوان را نابود خواهیم کرد؛ مرغان آسمان و ماهیان دریا، و اسباب لغزش را همراه با شریران نابود خواهیم کرد؛ و انسان را از روی زمین ریشه‌کن خواهیم کرد، می‌گوید خداوند.»

'و در روز قربانی خداوند چنین خواهد شد که امیران و فرزندان پادشاه و همه کسانی را که جامه‌های بیگانه بر تن دارند، کیفر خواهیم داد. و در همان روز نیز همه آنان را که بر آستانه می‌جهند و خانه‌های اربابان خویش را از خشونت و فریب پر می‌کنند، کیفر خواهیم داد....

'و در آن زمان چنین خواهد شد که اورشلیم را با چراغ‌ها تفتیش خواهیم کرد و مردانی را که بر درد خود آرام گرفته‌اند کیفر خواهیم داد؛ آنان که در دل خود می‌گویند: خداوند نه نیکویی خواهد کرد و نه بدی. از این رو اموالشان غنیمت خواهد شد و خانه‌هایشان ویران خواهد شد؛ خانه‌ها نیز خواهند ساخت، اما در آنها ساکن نخواهند شد؛ و تاکستان‌ها خواهند کاشت، اما از شراب آن نخواهند نوشید.

«روز بزرگ خداوند نزدیک است؛ نزدیک است و به شتاب فرا می‌رسد؛ خود صدای روز خداوند! در آنجا دلاور به تلخی خواهد گریست. آن روز، روز خشم است؛ روز تنگی و درماندگی؛ روز ویرانی و نابودی؛ روز تاریکی و تیرگی؛ روز ابر و ظلمت غلیظ؛ روز شیپور و بانگ هشدار بر ضد شهرهای مستحکم و بر ضد برج‌های بلند. و بر مردم تنگی خواهیم آورد تا مانند نابینایان راه روند، زیرا به خداوند گناه کرده‌اند؛ و خونشان چون غبار ریخته خواهد شد و گوشتشان مانند سرگین. نه نقره‌شان و نه طلایشان در روز خشم خداوند قادر به رهانیدنشان خواهد بود؛ بلکه تمام این سرزمین به آتش غیرت او خورده خواهد شد، زیرا او همه ساکنان زمین را به زودی به کلی از میان برخواهد برد.» صفییا ۱:۲، ۳، ۸-۱۸

خدا دیگر نمی‌تواند بیش از این مدارا کند. از همین حالا عذاب‌های او در برخی جاها آغاز شده است و به زودی ناخشنودی آشکار او در جاهای دیگر احساس خواهد شد.

مجموعه‌ای از رویدادها رخ خواهد داد که آشکار می‌سازد خداوند حاکم بر اوضاع است. حقیقت با زبانی روشن و بی‌ابهام اعلام خواهد شد. ما، به‌عنوان یک قوم، زیر هدایت عالی روح‌القدس باید راه خداوند را هموار کنیم. انجیل باید در خلوص خود اعلان شود. جریان آب حیات در مسیر خود ژرف‌تر و گسترده‌تر خواهد شد. در همه عرصه‌ها، نزدیک و دور، مردان از پشت گاوآهن و نیز از مشاغل متعارف تجارت و کسب‌وکار که ذهن را بسیار به خود مشغول می‌کنند فراخوانده خواهند

شد، و در همراهی با مردان باتجربه تعلیم خواهند دید. چون بیاموزند به گونه‌ای مؤثر کار کنند، حقیقت را با قدرت اعلام خواهند کرد. به واسطه شگفت‌انگیزترین تدابیر الهی، کوه‌های مشکلات برداشته شده و به دریا افکنده خواهند شد. پیامی که برای ساکنان زمین بسی اهمیت دارد شنیده و درک خواهد شد. مردمان خواهند دانست حقیقت چیست. کار، پیش و باز هم پیش، پیش خواهد رفت تا آنگاه که تمام زمین هشدار داده شده باشد، و سپس پایان فرا خواهد رسید.

هرچه روزها می‌گذرد، آشکارتر می‌شود که داورهای خدا در جهان جاری‌اند. او با آتش و سیل و زلزله به ساکنان این زمین هشدار می‌دهد که آمدنش نزدیک است. زمان نزدیک است که بحران بزرگ در تاریخ جهان فرا برسد؛ زمانی که هر اقدام در حکومت خدا با علاقه‌ای شدید و بیمی وصف‌ناپذیر زیر نظر گرفته خواهد شد. داورهای خدا یکی پس از دیگری، با شتاب، در پی هم خواهند آمد—آتش و سیل و زلزله، همراه با جنگ و خونریزی.

ای کاش مردم زمان تفقد خود را می‌شناختند! بسیاری هستند که هنوز حقیقتِ آزمون‌گر این زمان را نشنیده‌اند. بسیاری هستند که روح خدا برای آنان می‌کوشد. زمان داورهای ویرانگر خدا، زمان رحمت است برای آنان که هرگز فرصتی نداشته‌اند بیاموزند حقیقت چیست. خداوند با مهربانی بر آنان نظر خواهد کرد. دل پررحمتش به رحم آمده است؛ دستش هنوز برای نجات دراز است، در حالی که در بر روی کسانی که نخواستند داخل شوند بسته شده است.

«رحمت خدا در بردباری طولانی او آشکار می‌شود. او داورهای خود را بازمی‌دارد، منتظر است تا پیام هشدار به گوش همگان برسد. ای کاش قوم ما چنان‌که باید مسئولیتی را که بر دوش آنان است برای رساندن آخرین پیام رحمت به جهان احساس می‌کردند؛ چه کار شگفت‌انگیزی انجام می‌شد!» شهادت‌ها، جلد ۹، صفحات ۹۴-۹۷.